

یک سنتز در چهار نکته پیرامون همبستگی جمهوریخواهان (۱)

فرهنگ قاسمی



شاید کمتر جمهوریخواهی پیدا شود که در اهمیت ایجاد وحدت بین جمهوریخواهان طرفدار سکولاریسم و لائیسیته و دموکراسی تردید داشته باشد. پرسش این است با وجود اینکه همگی به اهمیت اتحاد ادراک و اعتراف داریم پس چرا تشکل بزرگ جمهوریخواهان لائیک و سکولار ایران که بنا بر دلائلی که در ریز خواهد آمد، امروز تبدیل به امری عاجل و ضروری شده است به پیش نمی رود؟

آیا همبستگی بزرگ جمهوریخواهان ایران هدفی غیر قابل دسترسی است؟ در این نوشتار کوشش می‌کنیم با اندیشه^۱ ای سنجشگرایانه و با توجه به واقعیت‌های موجود و تجربیات سال‌های اخیر فقط سنتزی را در این زمینه ارائه دهیم. در ارائه این سنتز فرآوند تشخیص تجربی و ذهنی و تحلیل و ارزیابی داده‌ها را از نظر دور نداشته‌ایم، اما در هر حال این مطلب می‌تواند پرسش‌هایی را در رد یا تائید برداشت ما مطرح کند، به همین جهت از کسانی که به هنر اندیشیدن انتقادی آگاهی دارند و در روند همبستگی و اتحاد نیروهای جمهوریخواه فعال بوده اند یا این فعالیت‌ها را دنبال می‌کنند و قادرند از دیدگاهی دیگر به گفتمانی مناسب و خلاق دامن بزنند تقاضا داریم برای روشن‌تر و دقیق‌تر و شفاف‌تر و قابل دفاع‌تر شدن این سنتز خلاقیت‌های خود را بکار اندازند تا شاید بتوانیم به یک نتیجه قابل اطمینان درباره^۲ راه کارهای عملی ایجاد وحدت بین جمهوریخواهان طرفدار سکولاریسم و لائیسیته و دموکراسی که موضوع این نوشته است برسیم.

آیا ضرورتی برای اتحاد اپوزیسیون جمهوریخواه، لائیک و سکولار وجود دارد؟

سال‌های طولانی است که کنشگران سیاسی ایران برای هستی بخشیدن به یک تشکل بزرگ جمهوریخواهی تلاش می‌کنند. طی این سال‌ها تحقق همبستگی بزرگ جمهوریخواهان همواره با پستی‌ها و بلندی‌هایی رو برو شده و متأسفانه مشاهده می‌کنیم که نهایتاً این خواست موفق نبوده است.

شاید کمتر جمهوریخواهی پیدا شود که در اهمیت ایجاد وحدت بین

جمهوری خواهان طرفدار سکولاریسم و لائیسیته و دموکراسی تردید داشته باشد. پرسش این است با وجود اینکه همگی به اهمیت اتحاد ادراک و اعتراف داریم پس چرا تشکل بزرگ جمهوری خواهان لائیک و سکولار ایران که بنا بر دلائلی که در ریز خواهد آمد، امروز تبدیل به امری عاجل و ضروری شده است به پیش نمی رود ؟

علیرغم آنچه که گفته می شود علت اساسی در تنوع فکری جمهوری خواهان نیست، زیرا مردمان هیچ سرزمینی یکپارچه نیستند و ملت ها با تنوع و چند پارچگی قوام پیدا می کنند. اما بسیاری از ملت ها در اثر رشد سیاسی و اجتماعی توانسته اند ساز و کارهایی را بوجود آورند که با آن ساز و کارها قادرند در مواقع بحرانی تعادل خود را باز یابند و جامعه را به سرعت به شرایط عادی بازگردانند. در جامعه ما این ساز و کارها به اندازه کافی رشد پیدا نکرده اند بنابراین دستیابی به توازن دموکراتیک در آن امری مشکل است.

با نگاهی به شرایط داخلی و وضعیت بین المللی و حرکتهایی که در منطقه خاورمیانه به وجود می آید نمی توان انتظار داشت که وضعیت ایران کماکان به همین منوال باقی بماند. به عبارت دیگر، باید پذیرفت که سرزمین ما آستان حوادث غیرقابل پیش بینی می باشد. اما همین که کوچکترین تحول در شرایط اجتماعی و سیاسی ایران پدیدار گردد، همانند سایر جنبشهای که در تاریخ ایران اتفاق افتاده است این بار نیز دو نیروی بزرگ متخاصم در مقابل یکدیگر قرار خواهند گرفت؛ یکی طرفداران حاکمیت اسلامی که از امکانات بسیاری برخوردارند و دیگری شامل کسانی می شود که سکولار و لائیک هستند. متأسفانه نمونه های این تقابل خشونت آمیز را امروز در بخشی از کشورهای خاورمیانه مشاهده می کنیم و می بینیم که این پدیده قرن بیست و یکم بدتر از هر جنگ داخلی خسارت بار بوده و استقلال این کشورها و آزادی مردمان آن را به مخاطره انداخته و ثروت ملی آنها را به آتش کشیده است.

بی درنگ باید اعتراف کنیم که در چنین آینده ای ما جمهوری خواهان طرفداران جدایی دین و دولت و دموکراسی و آزادی و استقلال در مقایسه با گروه اول از هیچ امکاناتی برخوردار نیستیم، نه تنها سازمان و تشکیلاتی نداریم بلکه سطوح اختلافات و اشتراک داخلی ما هنوز شفاف و روشن نشده است و در آن زمان بحرانی ممکن است تردید و بی اعتمادی بر ما بیش از پیش غلبه کند. بدون شک در چنین شرایطی تا چشم بر هم بزیم استبدادی دیگر حاکم خواهد شد و نیروهای ما را تار و مار خواهد کرد.

امروز کمبود وحشتناک یک همبستگی بزرگ که شایسته اپوزیسیون جمهوریخواه ایران باشد بشدت به چشم می‌خورد. بدون شک در آینده این فقدان باعث خسارت‌های بزرگ و جبران‌ناپذیری در زمینه رشد اجتماعی و فرهنگی ایران خواهد شد. بدرستی این کمبود باید مایه شرمندگی و نتیجه ناکارآمدی ندانم کاری و عدم لیاقت تمام جمهوریخواهانی باشد که دست رد به سینه حاکمیت جمهوری اسلامی می‌زنند و در اندیشه ایجاد یک نظام جمهوری دموکرات، آزادی‌خواه، استقلال‌طلب، سکولار و لائیک هستند و فردا همین نسل باید پاسخگوی اشتباه بزرگ خود در برابر نسل‌های آینده و تاریخ ایران باشد.

پس آنچه که امروز اهمیت دارد این است که بدانیم چه نوع وحدتی و با چه ضوابطی باید بر پا کنیم که در روند حرکت و تحول، آن مشکلات و موانع سال‌های گذشته، اتحاد ما را از پای در نیاورد و اگر این موانعی تظاهر پیدا کردند بتوانیم آنها را خنثی سازیم. برای اینکه وحدت نیروهای جمهوریخواه و مترقی بتواند به درستی پای بگیرد و در میان ایرانیان آگاهی قابل اعتماد را به وجود آورد، باید اندیشه راهنمای آن تنها به دست گرفتن قدرت سیاسی نبوده بلکه در خط مشی و ساختار و رفتار خود مسبب و مبلغ تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه نیز باشد. پس تمام کسانی‌که در این وحدت مشارکت می‌کنند باید به درستی با اندیشه و کردار خود اصول مندرج آن را نه فقط در قول بلکه در عمل نمایندگی کنند.

دو مانع تاکتیکی و دو مانع استراتژیک

به نظرم در این راه دو مانع مهم تاکتیکی و دو مانع بزرگ استراتژیک را می‌توان مورد توجه قرار داد:

نخستین مانع تاکتیکی اینکه برخی از جمهوریخواهان معتقدند که باید تنها در اندیشه تشکل طرفداران جمهوری خواهی نبود بلکه برای ایجاد آن تشکل بزرگ، که قادر باشد جمهوری اسلامی را از پای درآورد، اشکالی ندارد که با طرفداران پادشاهی نیز همکاری کرد. آنان به این نکته مهم توجه نمی‌کنند که در ذات و طبیعت پادشاهی نطفه تبعیض گرائی نهفته است و این تبعیض گرائی خلاف سکولاریسم می‌باشد .

دومین مانع تاکتیکی شامل کنش ناموزون جمهوریخواهانی می‌شود که گمان دارند می‌توان اصلاحات و بازسازی ایران را با استفاده از اصلاح‌طلبان جمهوری اسلامی انجام داد. اینان نیز توجه ندارند که ولایت مطلقه فقیه حاکم در ایران به هیچ وجه حاضر نیست قدرت خود را

با دیگران بخصوص با مردم تقسیم کند و با وجود ولی فقیه، قانون اساسی ایران تغییر ناپذیر باقی میماند. این قانون اساسی و آن ولی فقیه به هیچ روی اجازه اصلاحات را در ایران به دولت‌های اصلاح طلب منبعث از استبداد دینی نخواهد داد. "چگونه میشود تصور کرد که ولی فقیه، قدرت مطلقه خود را به مردم واگذار کند و اجازه بدهند تا قانون اساسی در جهت مشارکت مردم در سرنوشت خودشان تغییر پیدا کند. این تصورات خام بارها و بارها تجربه شده و نتیجه‌ای در بر نداشته است. دیدیم که حاصل تجربه دولت اصلاحات نیز بی حاصل بود، تا بدانجا که حتی خود اصلاح طلبان نیز اذعان داشتند نظام قابل اصلاح نیست. پس هرگونه اصلاحات و بازسازی ایران تنها با گذر از جمهوری اسلامی میسر است" . (۲)

متأسفانه، این هر دو گروه، که در مقایسه با سایر گروه‌های جمهوریخواه فعال‌ترند، با این که خود را سکولار و دموکرات میدانند و به دنبال ایجاد یک جامعه مدرن در ایران هستند، سهواً یا عمدتاً، سد راه همبستگی بزرگ جمهوریخواهان سکولار شده اند. گروه نخست آب به آسیاب طرفداران پادشاهی میریزد و شفافیت خود را در اصل جمهوریخواهی از کف میدهد و دومی آب در هاون می‌کوبد و نیروهای خود را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی می‌فرساید. از همه مهمتر خاصیت اپوزیسیون بودن خود را خدشه‌دار میکند.

نخستین مانع استراتژیک مسئله فرهنگ تکروی و عدم پایبندی به اخلاق سیاسی در میان بخش بزرگی از کنشگران سیاسی و مدعیان اداره مملکت ماست. در واقع رشد ناکافی فرهنگ دموکراسی و تعطیل نهادهای سیاسی و اجتماعی از دوران پهلوی تا به امروز جامعه ما را دچار تکروی ها، شکاکی‌های بی منطق، تهمت پراکنی‌ها، ترویج عدم اعتماد، فرار از قبول اختلاف و عدم پذیرش گفتگو و ناتوانی‌های اخلاقی ساخته است. این عوامل مخرب هر بنای تازه برای رشد را ویران می‌کند و سلامت آنرا موریانه وار می‌خورد. متأسفانه این خاصیت تنها شامل حال کنشگران خارج از کشور نمی‌باشد و باید اذعان داشت که بسیاری از فعالان داخل نیز از این ضعف بزرگ فرهنگی رنج می‌برند. اگر ما خواهان دگرگونی و سازندگی بنیادین در میهنمان هستیم باید آن را از خود آغاز کنیم.

دومین مانع استراتژیک وابستگی مادی و یا معنوی، مستقیم یا غیرمستقیم، برخی از افراد و جریان‌ها به قدرتهای خارجی و یا به جمهوری اسلامی است که اجازه نمی‌دهد تا آنان با استقلال کامل و آزادانه به مسئولیت خود عمل کرده و در تصمیمگیریها و کنش‌ها و

واکنش‌ها قائم به ذات باشند و در مبارزه فقط به اندیشه و عمل خود و نیروی لایزال ملت اتکا داشته باشند.

به تاریخ ایران نگاه کنیم، کسانی امثال سید ضیا طباطبائی در کودتای ۲۴ اسفند ۱۲۹۹، رضا خان بعد از او و محمدرضا شاه به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با نیرو خارجی به قدرت رسیدند چه عاقبت شومی را برای خود و برای ملت ایران فراهم ساختند؟ استقلال و آزادی خود را یکجا از کف دادند و مسبب خسارتهای بزرگی در امر رشد اجتماعی و سیاسی ایران شدند و نه تنها خود اعتماد مردم را از دست دادند، بلکه تخم براءتمادی و وابستگی به قدرتهای خارجی را در ایران پراکنده ساختند.

هر اتحادی باید با ادراک کامل به این‌چهار اصل عمل کند. در غیر این صورت نه تنها آن اتحاد موفق نخواهد شد بلکه در میان مخالفین جمهوری اسلامی تعلق و سستی و سرخوردگی بار خواهد آورد.

۱- به مناسبت چهارمین کنگره اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی

۲- به نقل از "پیام همبستگی ملی جمهوریخواهان ایران به چهارمین کنگره اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی 28 مرداد 1392